

هیچ چیز دمکراتیک‌تر و مردمی‌تر از منطق نیست؛ ملاحظه هیچ‌کس را نمی‌کند و ریز و درشت را درون یک کیسه می‌ریزد.

www.mandegardaily.com

سال ششم شماره یک هزار چهار صد هفده شنبه ۱ قوس/آبان ۱۳۹۳ ۲۹ محرم الحرام ۱۳۹۶ ۲۲ نوامبر ۲۰۱۴

به صداها مفهوم بخشید تا بشنوند!

سیزده سال تمام، خانواده شریف و پرتلاش رسانه‌یی کشور، خواست‌های مردم را به گوش سنگین دولت فریاد زدند؛ اما در این خراب‌آباد ما به میزان فریادها، گوش‌ها سنگین‌تر شدند.

آزادی بیان دادند، اما نه به اعتراضی اهمیت قایل شدند، نه به اشتباهی توجه کردند و نه به اصلاحی رسیدند تا اینکه بحران دامنگیر همه شد.

با عبرت از یک دهه قبل، امروز در فصل جدید دولت وحدت ملی، این پرسش‌های برخاسته از خواست واقعی مردم است که در جایگاه اپوزیسیون مردمی، دولت پاسخگو را بسازد و باید از همین دریچه به آن نگاه کرد.

دولت‌مردان بدانند که دولت، جامعه نیست؛ بلکه ساختاری است برای تنظیم امور مردم. صداهایی که مفهوم دارند، خواست‌های جامعه می‌باشند. براهل مطبوعات و رسانه است که از قلب جامعه مدنی، به این صداها، مفهوم روشن‌تر ببخشند تا به گوش و هوش دولت و دولت‌مردان برسند.

از صفحه فیس‌بوک احمد ولی مسعود

تأخیر وحشت‌ناک در معرفی کابینه



صفحه ۶

روسیه:

امضای توافق‌نامه‌های کابل با امریکا و ناتو جای سؤال ندارد



و همچنین افزایش قاچاق مواد مخدر در این کشور ایجاد شده است. به گزارش خبرگزاری ایترتاس از سازمان ملل، ماموریت نیروی بین‌المللی کمک به تامین امنیت در افغانستان در تاریخ ۳۱ ماه دسامبر به پایان می‌رسد.

چورکین خاطرنشان کرد امضای توافق دو جانبه امنیتی در تاریخ سی ام سپتامبر امسال میان دولت افغانستان و امریکا و همچنین توافق با ناتو در زمینه وضع نیروهای این سازمان در راستای حاکمیت جمهوری اسلامی افغانستان است که این موضوع مورد سؤال نیست. وی گفت انتظار می‌رود از این اسناد در جهت مشارکت در تقویت امنیت در این کشور مورد استفاده قرار گیرد. چورکین خاطرنشان کرد ماموریت جدیدی که توسط دولت افغانستان تایید شده و از حمایت قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل نیز برخوردار شود، باید در راستای همکاری‌های بین‌المللی باشد. وی افزود نگرانی خاصی در زمینه تهدیدات امنیتی از جمله تماس میان گروه تروریستی دولت اسلامی عراق و شام موسوم به داعش با مخالفان مسلح در افغانستان

شورای امنیت باید حضور ناتو در افغانستان را تایید کند. ویتالی چورکین، سفیر دایم روسیه در سازمان ملل متحد روز جمعه اعلام کرد ماموریت جدید سازمان پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) که توسط دولت افغانستان تصویب شده است باید از حمایت شورای امنیت نیز برخوردار باشد. وی گفت حضور نیروهای ناتو در افغانستان بر اساس همکاری‌های بین‌المللی خواهد بود. ویتالی چورکین در نشست مجمع عمومی سازمان ملل در روز پنجشنبه تاکید کرد سازمان پیمان امنیت جمعی بر این باور است که حضور نیروهای ناتو در افغانستان پس از سال ۲۰۱۵ میلادی باید با حمایت قطعنامه شورای امنیت نیز همراه باشد.

از ترور جنرال دوستم جلوگیری شد



جدی در برابر مخالفان مسلح دولت دارد. اخیراً آقای دوستم گفت که حلقاتی در دوران دولت، زمینه حملات انتحاری و انفجاری را برای طالبان فراهم می‌سازند. او اطمینان داد که این حلقات را در هر جایی که باشند، به زودی شناسایی و مجازات خواهند کرد.

پنج تروریستی که قصد حمله گروهی بر جنرال عبدالرشید دوستم معاون اول ریاست جمهوری را داشتند، از سوی مأموران ریاست عمومی امنیت ملی افغانستان بازداشت شدند. حبیب صدیقی سخنگوی ریاست امنیت ملی می‌گوید که این افراد می‌خواستند طی حمله‌یی، معاون اول ریاست جمهوری را ترور کنند.

حبیب صدیقی سخنگوی این ریاست به رسانه‌ها گفت: یک از این تروریست‌ها در شهر مزار شریف و چهارتن دیگرشان در ناحیه پنجم شهر کابل دستگیر شده‌اند. جنرال دوستم، یکی از مخالفان سرسخت طالبان به شمار می‌رود. او مواضع تند و

هند نگران آینده افغانستان



نریندرا مودی نخست‌وزیر هند که کشورش از خروج نیروهای بین‌المللی از افغانستان نگرانی دارد، امیدوار است هفته آینده با رئیس‌جمهور افغانستان اشرف غنی ملاقات کند. قرار است آقای غنی هفته آینده در اجلاس سارک یا سازمان همکاری‌های جنوب آسیا شرکت کند که در کتمندو پایتخت نیپال دایر می‌شود. صدراعظم هند نریندرا مودی ابراز امیدواری کرد که در حاشیه جلسه سارک با اشرف غنی ببیند. اکثر مقامات هندی و کارشناسان آن کشور نگرانی دارند که بعد از خروج قوای... ادامه صفحه ۷

در برگ‌ها



شکستنی
داکتر
عبدالله

از جهان سوم به
جهان اول
داستان
سنگاپور
از سال ۱۹۶۵ الی
۲۰۰۰ میلادی



اسطوره
کیخسرو
در
شاهنامه

فلسفه
«پراکسیس»
مارکس



احمد عمران

ششقیه داکت عبداللہ



سخن ماندگار سارک و افغانستان

کنفرانس سارک یا سازمان همکاری منطقه‌ی جنوب شرق آسیا، هفته آینده وارد نیپال می‌شود. آقای غنی در این کنفرانس صحبت‌هایی با نخست‌وزیر هند نیز خواهد داشت. کنفرانس سارک به تاریخ ۷ ماه دسامبر سال ۱۹۸۵، با مساعی مشترک بنگلادش و پاکستان و با اشتراک هفت کشور جنوب شرق آسیا: بنگلادش، پاکستان، هند، سریلانکا، نیپال، بوتان و مالدیو در شهر داکا مرکز بنگلادش تأسیس و پایه‌گذاری گردید.

اولین اجلاس کنفرانس سارک به هدف تدارک و جست‌وجوی راه‌ها و همکاری‌های متقابل اقتصادی و رفع عقب‌مانده‌گی‌یی که دامن‌گیر کشورهای عضو است، برگزار شده بود. در آن نشست فیصله شد تا کنفرانس سارک هر سال یک مرتبه در یکی از کشورهای عضو برگزار شود و علاوه بر آن، وزرای خارجه آن در یک سال برای دو مرتبه گرد هم بیایند و جهت بهبود و تأمین بیشتر روابط گفت‌وگو کنند.

اما امسال نشست کشورهای سارک به اشتراک رییسان کشورهای است و اشرف غنی هم چهارمین سفرش را به نیپال، به شرکت در این کنفرانس اختصاص داده است.

کنفرانس سارک اگرچه به عنوان یک سازمان بزرگ منطقه‌یی مطرح است، اما تا هنوز از آن توانایی‌ها و ظرفیت لازم برخوردار نشده است. اگرچه کشورهای عضو این کنفرانس یک پنجم جهان را احتوا می‌کنند، اما آن‌ها هنوز نتوانسته‌اند این سازمان را به مرحله تعیین‌کننده‌گی و تأثیرگذاری برسانند. با این‌همه، قدرت‌مندترین کشورهای عضو سارک، هندوستان و پاکستان‌اند که از قضا هر دو رقبای سنتی یکدیگراند و در مورد افغانستان هر یک از این کشورها اهداف خود را دنبال می‌کنند.

ولی سایر اعضای نخستین سارک، کشورهایی‌اند که در تلاش‌اند از طریق سازمان سارک، وضعیت سیاسی و اقتصادی کشورهای جنوب شرق آسیا را بهبود بخشند. اما جایگاه افغانستان به عنوان عضو اخیر و هشتم سازمان سارک، به این سازمان اهمیت فوق‌العاده‌یی بخشیده است. وارد شدن کشور ما به سارک، این اهمیت را به سازمان داده است که بتواند با آسیای میانه و آسیای مرکزی ارتباط برقرار کند و رابطه‌های اقتصادی و سیاسی‌اش را گسترش دهد.

افغانستان در سیزدهمین نشست سازمان سارک، به پیشنهاد مان‌موهن سنگ نخست‌وزیر وقت هند، به عنوان عضو اصلی سازمان پذیرفته شد. حالا حضور داکتر اشرف غنی به عنوان رییس‌جمهوری و رییس دولت وحدت ملی افغانستان در این سازمان می‌تواند یک حضور کاملاً تشریفاتی به حساب آید؛ زیرا افغانستان از این سازمان انتظارات قابل توجهی نمی‌تواند داشته باشد، ولی در آینده می‌تواند سبب تقویت خود این سازمان شود.

در حال حاضر تنش‌هایی که میان هند و پاکستان وجود دارد، سبب اصلی عقب‌مانی این سازمان شده و بیشتر نشست‌های آن هم بازتاب‌دهنده رقابت سیاسی میان این دو کشور است. تا زمانی که کشورهای هند و پاکستان کنار نیایند، این سازمان نمی‌تواند پیشرفت قابل توجهی داشته باشد. اما انتظار این است که افغانستان به عنوان یک کشور مهم عضو سارک بتواند از این نشست به نفع ثبات در افغانستان استفاده کند. بسیاری از کشورهای عضو سارک به‌خصوص افغانستان، پاکستان، هندوستان و کشمیر، از ناحیه تروریسم بین‌المللی رنج می‌برند و مسلماً ناامنی در این کشورها می‌تواند سبب عقب‌مانی بیشتر سازمان شود. بنابراین، اگر افغانستان بتواند در این نشست، کشورهای عضو را تشویق کند که بر پاکستان فشار بیاورند تا در قضیه افغانستان انعطاف نشان دهد و به ثبات در منطقه ارج بگذارد، این می‌تواند یک پیشرفت عالی برای همه اعضای سازمان باشد.

متأسفانه افغانستان دنبال چنین هدفی نیست و فقط سعی می‌کند کشور هند را در حاشیه این نشست به کمک‌های بیشتر به خود ترغیب کند و از آن کشور بخواهد که به عنوان یک دوست سنتی و دیرینه، افغانستان را حمایت کند و هندوستان نیز متعهد به کمک‌هایی می‌شود که به آن از قبل متعهد بوده است.

برخی سخنان عبدالله عبدالله رییس اجراییه دولت وحدت ملی در روزهای اخیر باعث به‌وجود آمدن دغدغه‌ها و نگرانی‌هایی در سطح جامعه شده است. آقای عبدالله در دیدار با خانواده یکی از قربانیان انتحاری در کابل، از تهدیدهایی سخن گفت که متوجه سلامت نظام و دولت است و در یک سخنرانی دیگر، از برخی حرکت‌ها زیر نام تأمین صلح و هم‌چنین نوع مبارزه با فساد در کشور انتقاد کرد.

آقای عبدالله در این سخنان تلاش کرد چیز خاصی را که دال بر اختلافات عمیق میان او و رییس‌جمهوری باشد، بروز ندهد؛ ولی نوع سخنانش بدون شک از آشوب و نگرانی‌های درونی‌اش پرده برمی‌داشت. این سخنان را وقتی می‌شنیدم، به یاد خطبه معروف حضرت علی (رض) افتادم که به نام «ششقیه» نام‌بردار شده است.

علی شریعتی، دین‌پروژه نام‌آشنای مسلمان، وقتی در یکی از نوشته‌هایش به این خطبه اشاره می‌کند، می‌نویسد که حضرت علی (رض) زمانی در میان مردم سخنرانی می‌کرد، ناگهان توجه‌اش به مسایل خاصی جلب شد و برخی حرف‌هایی را که طی سالیان متمادی در دل انباشته بود، با مردم مطرح کرد. حضرت وقتی متوجه شد که نباید چنین سخنانی را در جمع می‌گفت، دوباره رشته کلام را به سمت دیگری برد. اما مردم که انتظار داشتند حرف‌ها و درد دل‌های خلیفه چهارم را بشنوند، اعتراض کردند و خواستند به همان حرف‌های قبلی برگردد؛ ولی حضرت علی (رض) گفت: «هذه ششقیه هدرت» یعنی این ششقیه‌یی بود و گذشت.

ششقیه در عربی به معنای کفی است که بر دهان شتر ظاهر می‌شود. از آن زمان، خطبه «ششقیه» به عنوان خطبه درد و اعتراف معروف شده و اگر کسی بخواهد چیز پنهانی را قدری آشکار کند، می‌گوید که «ششقیه‌یی بود و گذشت».

سخنان اخیر داکتر عبدالله نیز رنگ‌وبوی «ششقیه» را دارد. رنگ‌وبوی یک دلهره و نگرانی. رنگ‌وبوی برخی جفاها و بدقولی‌ها. شاید داکتر عبدالله به دلایل سیاسی و یا مصلحت‌های ملی نخواهد بسیاری مسایلی را که می‌داند فاش کند، ولی همین‌قدر هم کفایت می‌کند که مخاطبان متوجه اتفاقات و مسایلی

کشور را به بهترین شکل ممکن انجام دهد. سیزده سال حضور جامعه جهانی در کنار افغانستان، تلخی‌ها و شیرینی‌های خود را داشت. افغانستان از یک مرحله حساس تاریخی به کمک جامعه جهانی عبور کرد، ولی در نیمه راه به دلیل سوءمدیریت رییس‌جمهوری پیشین، دچار افت‌وخیز شد. امکاناتی را که افغانستان از حضور جامعه جهانی در عرصه تأمین امنیت و بازسازی کشور باید به‌دست می‌آورد، به دلیل همین سوءمدیریت نتوانست به‌دست آورد و بسیاری از پروژه‌ها و برنامه‌ها، نیمه‌کاره باقی ماندند. اما تشکیل دولت وحدت ملی، این امید را دوباره زنده کرد که فرصت تازه‌یی در اختیار مردم افغانستان قرار گرفته که اگر دل‌سوزانه مورد توجه قرار گیرد، این زمینه را فراهم می‌سازد که کارهای ناتمام دوباره از سر گرفته شوند.

ولی اتفاقات روزهای اخیر به‌ویژه در عرصه تأمین امنیت و تشکیل کابینه، یک بار دیگر نگرانی‌هایی را در جامعه به‌وجود آورده است. پرسش اصلی این‌جاست که چرا دولت‌مردان تازه نمی‌توانند بر مشکلات چیره شوند و به ضروری‌ترین خواست‌های جامعه پاسخ گویند؟ شاید تأمین امنیت، کار یک روز و دو روز نباشد و زمان بیشتری را طلب کند، اما در مورد تشکیل کابینه چه باید گفت؟ آیا ۵۰ روز فرصت مناسبی برای رییس‌جمهوری و رییس اجراییه نبود که اعضای جدید کابینه را انتخاب می‌کردند؟ آیا سخنان داکتر عبدالله از همین درد و نگرانی ناشی نمی‌شود؟ آیا او احساس کرده است که مردم با نگرانی و بیم به آینده نگاه می‌کنند؟ آیا این سخن داکتر عبدالله که می‌گوید متهم‌های اصلی فساد در رده‌های بالا نشستند و دولت به دنبال فلان فرد دست چهارم و پنجم می‌گردد، به این معنا نیست که شعار مبارزه با فساد در همین روزهای نخست به بن‌بست خورده است؟ این افراد دست اول کی‌ها اند؟ کی‌ها اند که به گفته داکتر عبدالله در صدد فروپاشی نظام اند؟ آقای عبدالله گفته است «هذه ششقیه هدرت». حالا باید دیگران محاسبات خود را انجام دهند و منتظر روزی نباشند که این «ششقیه» به سیلابی ویران‌کن تبدیل شود!

مطالبات‌شان است و می‌تواند مدیریت سیاسی

شبکه خبری بی.بی.سی

چرا داعش عربستان سعودی را تهدید کرد؟



هفته‌ای که گذشت پیغامی صوتی منتشر شد منسوب به ابوبکر بغدادی. در این پیام ۱۷ دقیقه‌ای داعش بیش از همه به عربستان سعودی پرداخت، کشوری که زادگاه اسلام و بزرگ‌ترین تولیدکننده و صادرکننده نفت جهان است.

البته گوینده از نام رسمی «عربستان سعودی» استفاده نمی‌کند، چرا که این نام برآمده از نام قبیله حاکم بر عربستان یعنی آل سعود است، که داعش حاکمیت‌اش را به رسمیت نمی‌شناسد. در عوض از این سرزمین به عنوان «بلاد الحرمین» یاد می‌کند، یعنی سرزمین دو مکان مقدس - مکه و مدینه.

گوینده از هواداران داعش در عربستان سعودی که شمارشان رو به افزایش است می‌خواهد به اهدافی که نام می‌برد حمله کند. اولین هدف، اقلیت شیعه عربستان است که در بخش شرقی و نفت‌خیز زندگی می‌کنند. سلفی‌های تندرو، شیعه‌ها را کافر می‌دانند.

اختلاف‌های فرقه‌ای که بعد از شورش‌های عراق در خاورمیانه راه‌افتاده آنچنان عمیق است که بسیاری از سعودی‌ها داعش را نه به چشم تروریست و غارت‌گر، که به عنوان مدافع دلیر اسلام سنی در برابر پیش‌روی ایران و متحدان شیعه‌اش نگاه می‌کنند.

مقام‌های سعودی مدت‌هاست هشدار می‌دهند که کشورشان هدف اول داعش است.

از تابستان امسال که داعش نامش را به «دولت اسلامی» تغییر داد و تأسیس خلافت را اعلام کرد، می‌شد پیش‌بینی کرد که دیر یا زود سراغ بزرگ‌ترین و مهم‌ترین کشور منطقه عربی برود. بی‌دلیل نیست که مفتی اعظم عربستان هم داعش را «بزرگ‌ترین دشمن اسلام» خوانده بود.

اخیرا یک سعودی نزدیک به دولت این کشور در سرمقاله‌ای در نیویورک تایمز نوشته بود: «عربستان سعودی تنها قدرت منطقه است که توان و مشروعیت شکست داعش را دارد».

تکذیب تقصیر

این در حالی است که خیلی‌ها، مقام‌های سعودی را مقصر رشد سریع داعش می‌دانند، هم به‌خاطر

درخواست اردوغان از جامعه بین‌الملل برای اعلام منطقه امن در عراق



رئیس‌جمهوری ترکیه در سخنانی عنوان داشت: جامعه بین‌الملل باید منطقه امنی را در عراق ایجاد و بر نیروهای داخلی در این کشور تکیه کند.

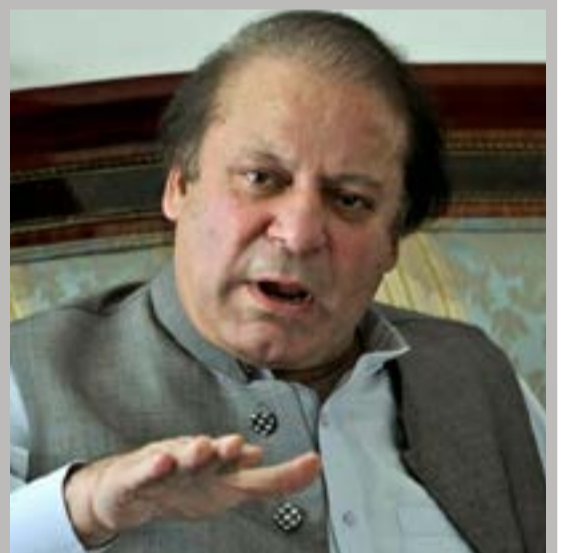
به نوشته روزنامه ملیت ترکیه، رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه قبل از اینکه در سفری رسمی به الجزایر برود، در کنفرانسی خبری در آنکارا تصریح کرد: ترکیه اوضاع کنونی در عراق و سوریه را به صورت جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهد.

وی افزود: ائتلاف ضد داعش هیچ گام عملی برای آموزش و مسلح کردن «مخالفان میانه‌رو در سوریه» برنداشته است. اردوغان گفت: ۴۰ درصد از خاک عراق اشغال شده است و به همین دلیل جامعه بین‌الملل باید در عراق منطقه امن اعلام کند و باید به گروه‌های داخلی در عراق تکیه کرد و آنها را برای تحقق امنیت و ثبات مسلح کرد.

رئیس‌جمهوری ترکیه از پیشرویی‌هایی که نیروهای عراقی در چند محور در جنگ علیه داعش رقم زده‌اند، استقبال کرد.

ابراز خرسندی پاکستان نسبت

به گسترش همکاری‌های نظامی با روسیه



نواز شریف در دیدار با وزیر دفاع روسیه نسبت به از سرگیری همکاری نظامی میان مسکو و اسلام‌آباد ابراز خرسندی کرد.

به گزارش خبرگزاری ایترتاس، نواز شریف نخست‌وزیر پاکستان در دیدار با سرگئی شویگو، وزیر دفاع روسیه در اسلام‌آباد تأکید کرد: من خرسندم از اینکه همکاری خود را از سر گرفته‌ایم و امیدوارم این همکاری شکلی پویا و متنوع به خود بگیرد.

وی همچنین ضمن دعوت از ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهوری روسیه برای سفر به پاکستان گفت: امیدوارم رئیس‌جمهوری روسیه این دعوت را بپذیرد.

شویگو اعلام کرد که روسیه و پاکستان یک توافقنامه همکاری نظامی دوجانبه امضا کردند که چارچوب قانونی را برای گام‌های بعدی مشخص می‌کند.

وی افزود که دو طرف باید بر سر مسایل بسیاری بحث و گفت‌وگو کنند و سوالات زیادی را پاسخ دهند.

وزیر دفاع روسیه تأکید کرد: من به دنبال آماده‌سازی پروژه‌های مشترک در زمینه همکاری‌های نظامی هستم. وی در پایان افزود که فرماندهان کل نیروی هوایی، دریایی و زمینی روسیه امسال به پاکستان سفر کرده‌اند.

به نیروهای داعش پیوسته‌اند و با خود ایدئولوژی افراطی موسوم به «تکفیری» را آورده‌اند اندیشه‌ای که اهل مدارا نیست و بخش‌های بزرگی از جامعه را با سوءظن نگاه می‌کند.

مقام‌های سعودی - مثل دولت‌های کویت و قطر - به آسانی نمی‌توانند جلوی کمک مالی اتباع کشورشان را به داعش بگیرند.

علاوه بر این‌ها، وضعیت در مزر جنوبی عربستان با یمن هم روز به روز وخیم‌تر می‌شود. جریان از این قرار است که شماری از تندروهای سعودی که در دوره‌های بازپروری تعهد داده بودند سراغ خشونت نروند، پس از آزادی به القاعده پیوسته‌اند.

بعید است داعش مستقیم به عربستان سعودی حمله کند، چرا که ارتشی مجهز به میلیاردها دالر سلاح وارداتی از غرب، از مرزهای شمالی این کشور محافظت می‌کند.

در حقیقت خطر خطر خشونت‌های پراکنده از درون مرزهای کشور است: خطر بمب‌گذاری، تیراندازی و آدم‌ربایی که محکی خواهد بود برای دستگاه اطلاعاتی داخلی عربستان.

حمایت مالی، هم صادر کردن نسخه‌ای از اسلام که اهل مدارا نیست و سنگ بنای جنگ همراه با خشونت شده.

دولت سعودی البته هر تقصیری در ظهور و رشد داعش را به شدت تکذیب می‌کند و آن را نتیجه آشوب به‌پا شده از جنگ داخلی سوریه و سیاست‌های تبعیض‌آمیز دولت عراق علیه سنی‌های آن کشور می‌داند. مقام‌های سعودی به این نکته اشاره می‌کنند که در خاک خودشان سه سال درگیر جنگی سخت با شورشیان القاعده بوده‌اند، جنگی که صدها کشته داده اما در آن پیروز شده‌اند.

اما واقعیت این است که امروز دولت سعودی در موقعیتی دشوار قرار گرفته.

نیروی هوایی عربستان در قالب ائتلاف تحت رهبری آمریکا در صدها حمله علیه مواضع داعش در سوریه شرکت داشته اقدامی که مردم عربستان به‌شدت با آن مخالفند. تا جایی که گفته می‌شود یکی از شاهزاده‌های سعودی که خلبان جنگنده اف-۱۵ است و در عملیات علیه داعش شرکت داشته، تهدید به مرگ شده است.

بنا به تخمین‌ها، بیش از دو هزار شهروند عربستان

درخواست رئیس‌جمهور مصر از غرب برای حمایت از لیبی

سیسی درخصوص ادامه حملات تروریستی در سیناء و ایجاد منطقه حائل نیز اظهار کرد: این اقدامات از سال‌ها قبل صورت می‌گرفته است. ایجاد منطقه حائل نیز با توافق ساکنان سیناء صورت گرفته است. اقدامات در داخل سیناء نیز تنها به مصر مربوط است و به حماس یا دیگر طرف‌ها ارتباطی ندارد. مصر هیچگاه اجازه نمی‌دهد که سیناء تهدیدی برای همسایگانش به حساب بیاید.

وی بر لزوم برقراری صلح میان رژیم صهیونیستی و تشکیلات خودگردان فلسطین تأکید کرد و گفت: ما نیاز داریم



تا فلسطینی‌ها را امیدوار کنیم و کشور آن‌ها را به رسمیت بشناسیم.

سیسی اظهار داشت: نمی‌توانیم داعش را از انصار بیت‌المقدس جدا کنیم. تروریسم نه تنها به امنیت خاورمیانه بلکه به امنیت اروپا نیز لطمه خواهد زد. برای همین باید با تروریسم به صورت جدی برخورد کنیم.

وی درخصوص اظهارات رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه درباره مصر گفت: مصر از زمان انقلاب ۳۰ ژوئن نسبت به هیچ دولتی مواضع منفی نداشته است.

سیسی درباره روابط با روسیه نیز تأکید کرد: ما خواهان برقراری روابط با تمامی کشورها هستیم و روابط ما با روسیه به ضرر روابط بین‌المللی ما با دیگر کشورها نخواهد بود.

این اقدام به نفع امنیت ملی ما است، آن را اجرایی می‌کنیم.

وی درخصوص آمادگی قاهره برای آشتی با قطر نیز تأکید کرد: از ما خواستند منتظر رخدادهای آتی بمانیم و ما نیز منتظر نتایج توافق میان کشورهای شورای همکاری خلیج فارس با قطر هستیم.

سیسی که قرار است سفری به اروپا از جمله فرانسه و ایتالیا داشته باشد، گفت: سفر آتی من به فرانسه و ایتالیا در راستای تلاش‌های صورت گرفته برای رسیدن قاهره به جایگاه مناسب خود و طرح دیدگاه‌ها و نظرات با همتایان اروپایی است تا حقیقت اوضاع مصر و منطقه را درک کنند.

وی درباره همکاری نظامی با فرانسه گفت: روابط سیاسی میان دو کشور مسئله جدیدی نیست. مصر قراردادهای نظامی با فرانسه امضا کرده و قراردادهای جدیدی را نیز امضا خواهد کرد.

رئیس‌جمهور مصر از واشنگتن و اروپا درخواست تا به ارتش لیبی در مقابله با شبه‌نظامیان تندرو در این کشور کمک کنند.

عبدالفتاح سیسی، رئیس‌جمهور مصر در مصاحبه با شبکه خبری فرانس ۲۴ تأکید کرد: درگیری‌ها در لیبی خطری برای منطقه منسوب می‌شود چراکه عده‌ای برای کمک به گروه انصاربیت‌المقدس در مصر جهت حمله به نیروهای امنیتی در صحرای سینا استفاده می‌کنند.

وی افزود: اگر تنها با تندروری و تروریسم در سوریه یا عراق مقابله کنیم، لیبی منطقه

خوبی برای تروریست‌ها باقی خواهد ماند که این مساله بر امنیت و ثبات این کشور و کشورهای همجوار آن تأثیر می‌گذارد.

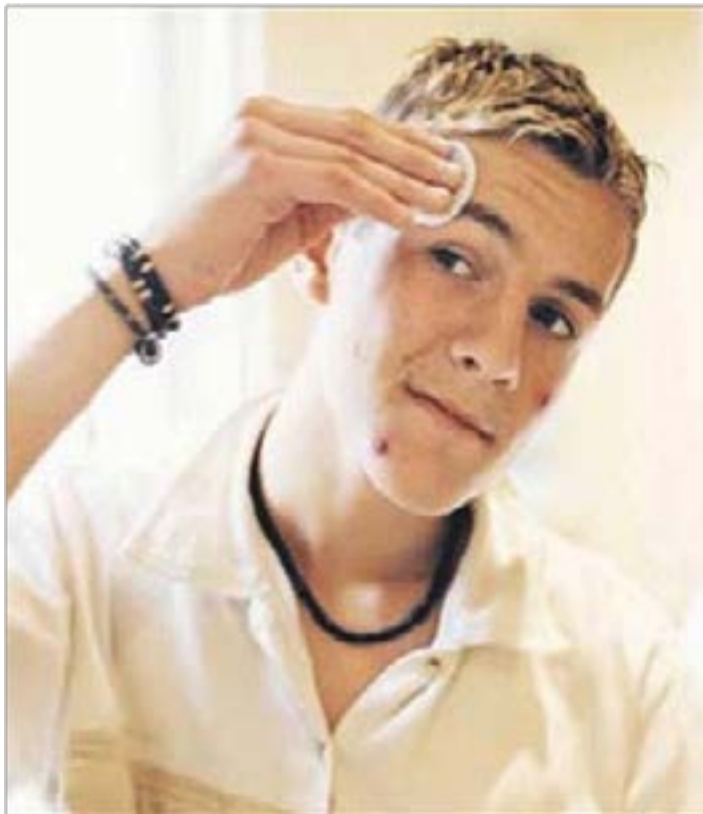
سیسی از واشنگتن و اروپا خواست تا از ارتش لیبی در مقابله با تندروها در این کشور حمایت کنند تا لیبی نیازی به مداخله مستقیمی که در سوریه و عراق صورت می‌گیرد، نداشته باشد.

وی ادامه داد: اگر به صورت مستقیم در لیبی مداخله کرده بودیم در اعلام این مساله تردید نمی‌کردیم. سیسی گفت: در حال حاضر هیچ‌گونه نیروی مصری در لیبی وجود ندارد و ما مرزهای خود را از داخل تحت نظر داریم.

وی درخصوص صدور عفو ریاست جمهوری درباره خبرنگاران شبکه الجزیره که از یک سال قبل توسط مسوولان مصری بازداشت شده‌اند، گفت: این مسئله جای بررسی دارد و اگر بدانیم که

بخش دوم

نگاهی به عوامل چملک پوست



استرس و بند آمدن جریان خون:

حتماً دیده‌اید وقتی فردی عصبانی یا مضطرب می‌شود، رنگ چهره‌اش تغییر می‌کند و عمدتاً زرد می‌شود. زرد شدن پوست در این شرایط به این علت است که تمام عروق پوست جمع شده‌اند و جریان خونی وارد پوست نمی‌شود. در نتیجه پوستی که اجزای آن در هر لحظه نیاز مبرم به تغذیه دارند، از آن محروم و دچار گرسنگی موقت می‌شوند. این حالت هر چند کوتاه‌مدت روی پوست تأثیر می‌گذارد. حال تصور کنید استرس و اضطراب طولانی‌مدت با پوست چه می‌کند. به همین دلیل افراد همیشه مضطرب، دچار چین و چملکی‌های بیشتری می‌شوند و پیری زودرس می‌گیرند.

بی‌خوابی و پیرپوستی:

افرادی که خواب خوبی ندارند، بیشتر دچار تنش و اضطراب می‌شوند که روی پوست‌شان تأثیر می‌گذارد و در طولانی‌مدت آن را دچار پیرپوستی می‌کند.

عدم مراقبت و خشکی پوست:

مصرف ناهجا از کریم‌های مختلف و مواد آرایشی زیاد، صابون‌ها و شامپوهای نامناسب برای پوست و... می‌توانند به پوست آسیب رسانند و باعث پیرپوستی شوند. به همین دلیل فردی که پوست چربی دارد، باید از صابون و شامپوهای مخصوص پوست و موی چرب استفاده کند، یا افرادی که پوست خشکی دارند، باید از شوینده‌های مناسب پوست‌شان استفاده کنند تا آن را خشک‌تر از پیش نکنند؛ بنابراین توصیه بر این است که از محصولات استفاده کنید که با پوست شما منطبق است.

مصرف مشروبات الکولی و استعمال دخانیات و نرسیدن مواد غذایی به پوست: این مواد به‌راحتی از راه خون جذب پوست می‌شوند و میزان گردش خون پوست را بسیار کاهش می‌دهند. نرسیدن مواد غذایی کافی به سلول‌های پوستی، باعث تخریب آن‌ها و در نتیجه، پیرپوستی می‌شود.

نورهای متفرقه و از بین رفتن کلاژن‌ها:

نشستن طولانی‌مدت جلوی مانیتور یا تلویزیون که نور زیادی از خودشان متصاعد می‌کنند و همچنین وجود نورهای فلورسنت در منازل مانند نور خورشید عمل می‌کند و تأثیرات مخربی در پوست ایجاد خواهد کرد. گفته می‌شود وجود ۴ تا ۵ نور مهتابی مانند نور خورشید عمل می‌کند و به‌راحتی می‌تواند کلاژن پوست را از بین ببرد. به همین دلیل توصیه می‌شود هنگام استفاده طولانی‌مدت از مانیتور، تلویزیون یا نورهای مهتابی حتماً ضدآفتاب به پوست‌تان بزنید.

داروها و کاهش آب پوست:

داروهایی که آب پوست را از کاهش می‌دهند یا در پوست لک ایجاد می‌کنند، یا داروهایی که در ترکیب با نور خورشید می‌توانند عوارض آگزمایی مانند خارش و سوزش در پوست به وجود آورند نیز باعث پیرپوستی می‌شوند. این داروها می‌تواند شامل مکمل‌های غذایی یا داروهای درمانی باشد مانند داروی ضد مالاریا که باعث لکه می‌شود یا داروی فنوتیازین که در مواجهه با نور خورشید راش‌های پوستی ایجاد می‌کند.

بخش سوم

فلسفه «پراکسیس» مارکس

مازیار رازی

مارکس می‌گوید که نزد ماتریالیسم سنتی، «شیء» (objectivity یا Gen- objectivity) چیزی که در «برابر» بشر قرار گرفته است (تنها به مفهوم «عین» (object) یا از طریق «تأمل» و یا «غور»، درک و شناخته می‌شود و نه به مفهوم فعالیت محسوس (حسنت) پراتیک بشر، که مربوط و متعلق به جهان عینی است. به سخن دیگر، ماتریالیست‌های سنتی به شکل «ایستا» به واقعیت‌های جهان می‌نگرند. آن‌ها تنها به چیزهایی که در برابر آن‌ها (خارج از ذهن آن‌ها) قرار گرفته، می‌نگرند و در مورد آن اشیا «تأمل» می‌کنند. آن‌ها به صورت «ذهنی» (سوبژکتیو) و یا چیزی که خارج از آن‌هاست، به اشیا می‌نگرند. در تقابل با ماتریالیست‌ها (مانند فوئرباخ)،

را به معنی «کثیف یهودی» آن در نظر می‌گیرد («عمل»، به مفهوم پول درآوردن مانند یهودی‌ها و کثافت‌کاری کردن تلقی می‌گردد). این روش از تفکر در میان ماتریالیست‌های آن دوره بسیار رونق داشت. بدین ترتیب که «ذهن» در برابر «عین» خارج از خودش تأمل می‌کند (فکر و تجسس می‌کند) و سپس ذهن به مفاهیم تیوریک نایل می‌آید. این امر منجر به تغییر جهان می‌گردد، زیرا که تفکر تحت تأثیر دنیای خارجی قرار گرفته است. هم‌چنین فعالیت عملی بشر چیزی است «کثیف» و بی‌ارتباط به این تفکر. از دیدگاه مارکس، این طرز فکر اهمیت فعالیت انتقادی - عملی - انقلابی را کاملاً نفی می‌کند.

با طرح این تز، مارکس تیوری «عمل» (پراکسیس) را به بخشی اساسی از

اما طبیعت واقعی، نزد وی، طبیعتی است که از بطن فعالیت بشری بیرون آمده باشد. این طبیعت، پدیده‌ی «در خود» و «بیرونی» نسبت به بشر است. از دیدگاه مارکس، علوم طبیعی همان تاریخ بشر است و تاریخ طبیعی و تاریخ بشر به یک‌دیگر وابسته‌اند.

تز دوم:

این مسأله که آیا اندیشه بشری دارای حقیقتی عینی هست یا نه، مسأله‌ی نظری نبوده بلکه مسأله‌ی عملی است. در پراتیک است که انسان باید حقیقت، یعنی واقعیت و توان اندیشه‌اش (۲۶) را، این‌جا و اکنون، اثبات کند. مناقشه در باره واقعیت با بی‌واقعیتی اندیشه‌ی جدا از پراتیک، صرفاً مسأله‌ی اسکولاستیک (۲۷) است.

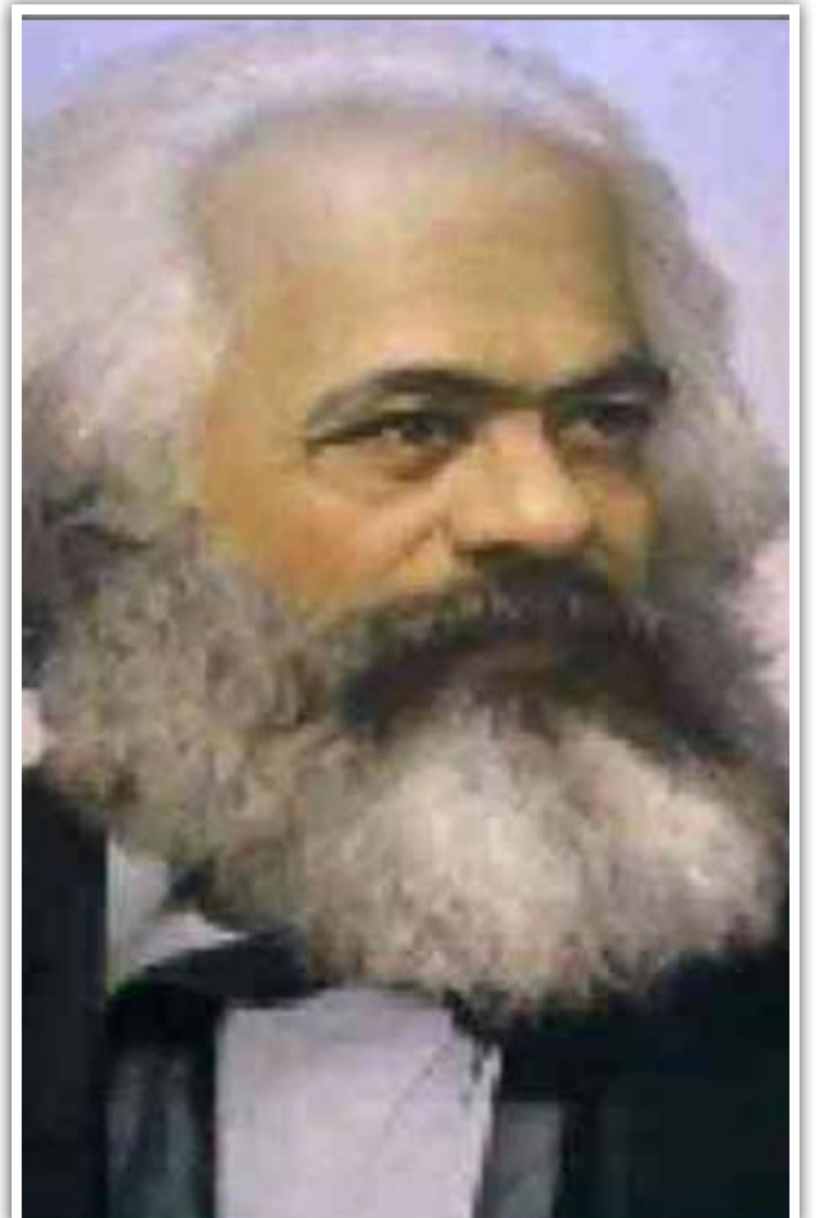
مارکس در این تز می‌گوید که دعوا پیرامون، تقدم «ذهن» بر «عین» (استدلال ایده‌آلیست‌ها) و یا «عین» بر «ذهن» (بحث ماتریالیست‌ها)، چنان‌چه انسان در پراتیک و فعالیت روزمره‌اش آن را درک نکند، یک بحث «اسولاستیکی» (مکتب‌گرایانه) است. این مناقشه‌ها، مبنی بر این‌که «حقیقت» وجود دارد یا خیر، باید از طریق «عمل» بشر برایش حل گردد و نه در نتیجه دعوی بین فیلسوفان.

از دیدگاه مارکس، هیچ مقوله‌ی از جمله «حقیقت» (یا علم) مطلق نیست. در واقع همه پدیده‌ها نسبی است. حتا خود «حقیقت» نیز نسبی است، و بسته‌گی به پراتیک بشر دارد. بنابراین به زعم مارکس، «حقیقت» را نه می‌توان بر اساس «تجربه» توضیح داد و نه متکی بر «ضروری» بودن آن؛ «حقیقت» را تنها می‌توان بر اساس «پراتیک» بشر توضیح داد.

تز سوم:

آن مسلک (۲۸) ماتریالیستی که آدمیان را محصول اوضاع و احوال و تربیت می‌داند و معتقد است که برای تغییر آدمیان باید اوضاع و احوال و تربیت را تغییر داد، فراموش می‌کند که اوضاع دقیقاً به دست آدمیان تغییر می‌یابد و این خود مری است که نیاز به تربیت دارد. از دیدگاه چنین مسلکی، جامعه ناگزیر به دو بخش تقسیم می‌شود که یک بخش آن بالاتر از خود جامعه است (مثلاً نزد رابرت اوون). تقارن تغییر اوضاع و احوال و تغییر فعالیت بشری، یا تغییر خود به خود، را فقط در وجه پراتیک انقلابی می‌توان نگرست و به نحوی عقلانی درک کرد.

در این تز مارکس به طرف‌داران دکترین (تیوری) ماتریالیستی از جامعه، نقد می‌کند (به‌ویژه ماتریالیست‌های فرانسوی و سوسیالیست‌های تحیل‌گرای انگلیسی). به آن‌هایی که جامعه و یا وضعیت موجود را «قبول شده» قلمداد کرده، و تنها تصور می‌کنند که با تغییر «محیط»، «طبیعت»، «اجتماع» و به ویژه «تربیت» انسان‌ها، «جامعه» به خودی خود رو به بهبود خواهد گذاشت. مارکس در مقابل استدلال‌های این عده می‌گوید که این‌ها فراموش می‌کنند که «محیط» و «آموزش» به خودی خود تغییر نمی‌یابند، و کسی باید این تغییرات را انجام دهد. مسأله این‌جاست که آن تربیت‌کننده‌گان نیز خود نیاز به «آموزش» دارند.



«معرفت» بشری ارتقا می‌دهد. او بر خلاف نظریات فوئرباخ هر نظریه را که شناخت طبیعت را بی‌ارتباط با پراتیک عملی بشر بداند، مردود اعلام می‌کند. او معرفت واقعی بشر را همانند ایده‌آلیست‌ها تنها محصول آگاهی بشر ارزیابی نمی‌کند. از دیدگاه مارکس، معرفت به مثابه «معرفت» بشری با فعالیت بشری در طبیعت و یا جهان واقعی، گره خورده است. روند ادغام فعالیت بشری و طبیعت نیز خود نتیجه عمل بشری است. فعالیت بشری، پایه، اساس و محدودیت «معرفت» بشری را تعیین می‌کند. در ورای این محدوده، البته «طبیعت» وجود دارد. مارکس این «طبیعت» را انکار نمی‌کند، زیرا که آن را پایه درک بشر از دنیای واقعی می‌داند،

ایده‌آلیست‌ها جنبه «فعال»، یعنی تأثیر عین بر ذهن را درک کرده‌اند (هرچند به صورت تجریدی و انتزاعی). البته مارکس بر این باور است که ایده‌آلیست‌ها نیز کارشان ایراد دارد، زیرا که «عین» را نادیده می‌گیرند. درک صحیح از فلسفه، از دیدگاه مارکس، این است که بشر در فعالیتش شناخت پیدا کرده و از طریق تأثیرگذاری بر محیط اطرافش، آن را تغییر و تکامل دهد. اهمیت فعالیت «انتقادی - انقلابی» نیز از پیوند دادن مفاهیم تیوریک و پراتیک سرچشمه می‌گیرد. در دو جمله نهایی تز اول، مارکس استدلال می‌کند که فوئرباخ این مطلب را درک نمی‌کند و در کتابش «جوهر مسیحیت»، برخورد به «عمل» (پراتیک)

اسطوره کیخسرو در شاهنامه

ابوالقاسم اسماعیل پور

بخش دوم

شهریار جهان با رستم به نخجیر شد و آن‌گاه با سپاهی به همراه طوس، گودرز و گیو همه بوم ایران را بگشتند، نآبادان را آبادان کرد و در هر شهری تخت نهاد تا آذرآبادگان همی رفت و به آذرگشسپ رسید و «به آتشکده در نیایش گرفت». آن‌گاه سوی کاووس شاه رفتند و کاووس شاه از افراسیاب سخن گفت و آن ناجوان‌مردی که بر سر سیاوش آمده بود و بس شهرها که ویران شده بود و پهلوانان و زنان و کودکان به هلاکت رسیدند.

کیخسرو جوان چو بشنید، سوی آتشگاه به خورشید و ماه و به تخت و کلاه سوگند یاد کرد که «پر کین کند دل ز افراسیاب» و مبادا «ز خویشی مادر» بدو بگردد. پس، بر آن شد که:

به کین پدر بست خواهم میان بگردانم این بد ز ایرانیان
(شاهنامه ۱/ ۴۲۹)

رستم و طوس و گودرز نیز با او همپیمان شدند و: رخ شاه شد چون گل ارغوان که دولت جوان بود و خسرو جوان
(شاهنامه، ۱/ ۲۳۰)

دو هفته طول کشید تا سپهبدان و نامآوران و گوان و پهلوانان را فراخواندند:

صد و ده سپهبد از خویشان کاوس به فرماندهی فریبرز کاووس، هشتاد گرزدار از نواده‌گان نودر به سرکرده‌گی زرسپ سپهبد، فرزند طوس، هفتاد و هشت دلیر از نواده‌گان گودرز کشواد، شصت و سه تن از تخمه گزدهم، صد سوار از خویشان میلاد مانند گرگین پیروزگر، هشتاد و پنج سوار رزمنده از تخمه لواده، سی و سه مهر از تخمه پشنگ به فرماندهی او که داماد طوس بود؛ هفتاد مرد جنگی از خویشان شیروی که بهترین‌شان فرهاد نام‌آور بود؛ صد و پنج گرد از نژاد گرازه همه آماده شدند برای نبرد سوی توران زمین.

بزرگان ایران‌زمین نیز صدها جامه دیبای روم و گوهر و زر، خز و منسوج و پرنیان و جامها پر از گوهر همه باز آوردند و پیش شاه سر فراز نهادند تا برای جنگ هزینه شود، از جمله بهای «سر بیبهای» افراسیاب داده شود.

بیژن گیو بر پای خاست و عزم «کشتن اژدها» کرد. گنج برگرفت تا «تاج تژاو» را که افراسیاب بر سر نهاده بود، برگیرد. کیخسرو به بیژن گفت که در میان پردگیان افراسیاب پرستندهی هست «کز آواز او رام گردد پلنگ»:

به رخ چون بهار و به بالا چو سرو
میانش چو غرو و به رفتن تزر
یکی ماه رویست نام اسپنوی
سمن پیکر و دلبر و مشک بوی
(شاهنامه، ۱/ ۴۳۲)

کیخسرو سفارش کرد که وقتی او را یافتی، نباید بر او تیغ بکشی، بلکه فقط با کمند او را دستگیر کن و نزد من آر. آن‌گاه به گیو گودرز گفت که این گنج و دینار و گوهر بردار و سر پهلوان تورانی را به بارگاه من آور. بعد به افسری خسروی گفت که به «کاسه رود» اندر شو، به روان سیاوش درود بفرست و آن‌جا را به آتش بکش. گیو این وظیفه را برعهده گرفت. آن‌گاه گرگین پذیرفت که پیامی نزد افراسیاب برد و پاسخش را بگیرد.

رستم نزد شاه آمد و گفت که در زابلستان شهری هست که از آن تورانیان بود و منوچهر آن را از ترکان تهی کرد، اما در دوران پیری کاوس، آن‌ها



هنوز به توران‌زمین باج میدهند. پس بایسته است که سپاهی به آن‌جا بفرستیم تا «سر از باژ ترکان برافرازند» و تسلیم ایران شوند. آن مرز برای پیروزی بر تورانیان بس اهمیت دارد. فرامرز را برای این مهم می‌گمارند که پیروز میگردد و پادشاه سیستان میشود.

جنگ بزرگ کیخسرو با افراسیاب

آن‌گاه کیخسرو گردان ایران‌زمین را فراخواند و سیهزار لشکر نامدار و سواران شمشیرزن گردآورد و پس از آن، رستم سران و بزرگان را گرد آورده و آن‌ها را به خون‌خواهی سیاوش فراخوانده بود. همه‌گی زیر پرچم رستم به سوی توران روانه شدند. رستم بر کشور افراسیاب دست یافت، بر بهشت کنگ دست یافت و در جایگاه افراسیاب نشست و گفت: «اگر چه دشمن را نکشتم، لیکن او را تارومار کردیم و بر سراسر کشور، گنجینه‌ها و جنگافزار و ستورانش دست یافتیم.» (ثعالبی، ۱۳۷۲: ۱۴۲-۱۴۳)

این نخستین پیکار رستم بود به خون‌خواهی سیاوش. پس از آن، پیشروان سپاه ایران به سرکرده‌گی کیخسرو بر پیشاهنگان سپاه افراسیاب تاختند و آنان را شکستند و کشتارشان کردند و بازمانده‌گان را به گریز واداشتند. در این نبرد، سپاه کیخسرو در بیرون بلخ بود و سپاهیان افراسیاب میان سغد و بخارا جای گرفته بودند. این جنگ چهل‌سال به درازا کشید. لشکر افراسیاب عقب‌نشینی کرد و سپاه کیخسرو پیش رفت. افراسیاب به شکست تن درداد و گریخت.

افراسیاب با سپاهانش از جیحون گذشت و چون خبر مرگ پیران ویسه و فرماندهان دیگر به او رسید، توان از دست داد. آن‌گاه «از تخت به زیر آمد و جامه بر تن درید و سر بر خاک نهاد و با اشک روان، درد از دل بیرون ریخت و آه سرد از سینه

کمند انداخت و او را دستگیر کرد و به یارانش سپرد تا روانه ایران‌شان کردند. کیخسرو افراسیاب را خوار و خسته یافت و بیدرنگ شمشیر برکشید و او را به دو نیم کرد. سپس به گریه افتاد ولی اشک خود را به آتش پاک کرد و فرمان داد او را به گور بسپارند. (همان، ۱۵۰)

ریشه های اساطیری داستان کیخسرو

کیخسرو در شمار شهریاران اساطیری شاهنامه است. شهریاری که زاده شدن، پرورش، خویش‌کاریها (کارکردها) و فرجام کارش فراتاریخی و تا حدی فراطبیعی است. کیخسرو در سرزمین دشمن زاده میشود، سرزمین ظلمت و تیره‌گی، یعنی توران‌زمین که در برابر ایران‌شهر نورانی قرار دارد، چونان اهریمن ظلمانی در برابر هرمزد درخشان. او در توران‌زمین به دست پیران ویسه پهلوان خویشاوند و وزیر افراسیاب - که همسر آبستن سیاوش را از مرگ رهایی بخشیده بود - پرورده میشود. خبر به دنیا آمدن کیخسرو، امید کینخواهی را در دل ایرانیان زنده کرد و کاوس گیو، پسر توانای گودرز و یکی از سرداران پادشاه را به یافتن شاهزاده و آوردنش به ایران فرستاد. کیخسرو پس از سفری پرمخاطره، پیروزمندانه به دربار ایران آورده میشود. (یارشاطر، ۱۳۶۸: ۴۸۷)

گفتیم زادنش شگفت‌آور بود و هم‌چون فریدون، زال و کیکاووس در کوهها و جنگلها به شکلی غیرعادی پرورش یافت. افراسیاب به محض شنیدن تولد نوزاد، فرمان داد که او را به کوههای بلند ببرند و به شبانان بسپارند و «غرض او از این کار این است که ذهن و ضمیر او از گذشته و سرنوشت پدر خالی بماند، خرد و فرهنگ نیاموزد، مبادا هشیار شود.... {اما} همه آگاهیهای دهر در جامی نمادین به دست اوست، آینه‌یی که از گذشته تا آینده را باز میتاباند. او آمده است تا هزاره آمیزش نیکی و بدی و تناوب پیروزی این یا آن، بر دیگری (گومیچشن) «گومیچشن» را به سود نیکی فیصله دهد. (حمیدیان، ۱۳۷۲: ۳۱۰)

از شگفتیهای کودکی کیخسرو این که او در ده سالگی گراز و خرس را بر زمین میافکند و به نخجیرگاه می‌رود و شیر و پلنگ شکار میکند. شبان پرورنده او پیش پیران ویسه می‌رود و شکوه میکند که کیخسرو اول آهو میگرفت و از شیر و پلنگ می‌ترسید، اما حالا از شیر و پلنگ هم نمیترسد. (همان‌جا)

کیخسرو در شمار واپسین کوی [۳]هاست. کوی در نوشتههای ودایی برابر کوی اوستایی است. کی در زبان پهلوی و نیز در نوشتههای کهن فارسی به معنای «دانا و حکیم» است، اما کویها بدان‌گونه که در اوستا آمده، شامل روحانیون یا مغنیانند که همچنان سنتهای باستانی را پاس میدارند و زرتشت نوظهور را باور ندارند و حتا با او دشمنی می‌ورزند. در سراسر اوستا از هشت کوی نان برده میشود که مردانی پارسی‌اند و افزون بر اینها، دو کوی دیگر نیز هستند که یکیشان پشتیبان زرتشت بوده است و در اوستا او را ستوده‌اند. (بهار، ۱۳۸۶: ۱۱۷)

کیخسرو از همان آغاز، شهریاری نورانی و درخشان شمرده میشده است. چهره‌اش بس منور توصیف شده است، گویی که از خورشید کوی سبقت برده باشد. او در نخستین دیدار با گیو پهلوان، به صورت جوانی زیبا، نورانی، با جامی در دست و دسته گلی بر گیسو و در کنار چشمه‌یی درخشان توصیف گردیده است. (حمیدیان ۱۳۷۲: ۳۱۲)

کیخسرو اساطیری به‌راستی نویددهنده تحول عظیمی است که بنا به باورهای آریایی و به‌ویژه بنا به اساطیر زرتشتی باید در پایان جهان رخ دهد. این دگرگونی شگفت‌آور همان پیروزی فرجامین نور بر ظلمت است، پیروزی نیکی بر بدی و تیره‌گی پارسیایی بر دژکرداری. از کشته شدن ناجوان‌مردانه سیاوش تا پیدایی و بُرنایی کیخسرو، زمانه شگفت‌آور غریبی است که سرشار از فساد، تباهی، کشتار، شهرسوزان و ویرانی است. همه این نشانه‌های بد و اهریمنی دوره آمیزش خیر و شر یا آمیزش نور و ظلمت را به یاد می‌آورد، پدیده‌هایی اهریمنی که در روزگار کیخسرو به اوج خود میرسد. افراسیاب نماد کل ظلمت و تیره‌روزی‌هاست و کیخسرو نماد نور و آفتاب و آزادی است.

آن‌گاه گودرز، گرسیوز، برادر افراسیاب، را فراخواند و او را برهنه کرد، چندان تازیانه بر او زدند که فریادش به گوش افراسیاب رسید و نتوانست بیش از این ساکت بماند، و سر از آب برآورد، گودرز



قانون بانکداری

در کشاکش آرای مخالف و موافق

عبدالحفیظ منصور



روز شنبه برابر با ۲۴ عقرب سال روان، قانون بانکداری در اجندای جلسه عمومی مجلس نمایندگان قرار گرفت. اختلاف بر سر این بود که قانون مذکور آیا با شریعت اسلامی سازگاری دارد یا خیر. قلیلی از اعضای مجلس بدین باور بودند که در قانون بانکداری «سود» تسجیل یافته است، از این رو بحث روی آن در مغایرت با ماده سوم قانون اساسی قرار دارد، بنابراین از اجندا باید بیرون گردد و از علمای دینی تقاضا گردد که هرچه زودتر طرحی سرپا موافق شریعت اسلامی (؟) تهیه دیده و غرض تصویب به شورای ملی بفرستند. اما در برابر دسته اولی، کثیری بودند که خواستار رای گیری روی قانون بانکداری بودند؛ زیرا در قانون یاد شده، علاوه بر این که مخالفتی با شریعت اسلامی نمی دیدند، تصویب آن را به خیر و صلاح کشور می پنداشتند. در فرجام، جلسه عمومی پس از آن که از سوی شماری از اعضا به رسم اعتراض ترک گفته شد، از نصاب افتاد و رای گیری به تعویق افتاد. در این میان، من نیز یکی از نمایندگان موافق روی طرح قانون بانکداری بودم و پاره‌یی از دلایل خویش را نیز در این مورد در جلسه بیان کردم و اینک غرض آگاهی بیشتر هموطنان، دلایل خود را به صورت فشرده چنین بیان می دارم:

۱- سود یا ربا به دلایل قطعی حرام است، اما سود چیست؟ و مصداق آن کدام است؟ آیا بهره بانکی سود است؟... از نظر من بهره بانکی سود نیست، چرا؟... زیرا معامله سودی متعلق به یک اقتصاد سنتی و ایستاست که تهیدستان برای نجات زنده گی خود و خانواده شان به آن نیاز پیدا می کنند. آن‌ها از توان گران پول قرض می گیرند و ثروت مندان پرداخت قرضه را مشروط به آن می سازند که در آینده قرض شان را با مقداری پول یا کالای اضافی دوباره مسترد کنند. اما سپرده‌یی که یک شخص در بانک می گذارد، به قصد سرمایه گذاری می گذارد و بانک نیز آن شخص درمانده نیست که نان خوردن نداشته باشد. بانک پول سپرده گذاران را به قصد سرمایه گذاری گرد می آورد و متخصصانی امور بانکی را رهبری می کنند، سرمایه بانک را به دوران می اندازند و از آن نفع می برند؛ از این رو پولی که سپرده گذار از بانک به دست می آورد، سهمی است که از نفع بانک به دست می آورد، نه پول ظالمانه‌یی که از یک فقیر گرفته می شود. خلاصه این که، سود به خاطر ظلمی که در آن وجود دارد، حرام است،

اما هر نفعی را نباید زیر نام سود، حرام شمرد! ۲- بانکداری متعارف، عاری از عیب و نقض نیست، مانند هر پدیده دیگر کاستی‌ها و نواقص خود را دارد، ولی بدیلی که بتواند سیستم بانکداری متعارف را از میان بردارد و جایگزین آن گردد، تا کنون سراغ نشده است. در کشورهای اسلامی کوشش‌هایی در این زمینه به راه افتاده که در مراحل ابتدایی قرار دارند، این کوشش‌ها تا

هنوز به عنوان جانشین نظام بانکداری همه گانی شناخته نشده‌اند؛ از همین رو است که کشورهای اسلامی بیشتر معاملات خود را بر اساس نظام بانکداری جهانی پیش می برند و شاخه‌هایی بنام بانکداری اسلامی در این کشورها فعالیت می‌ورزند، ولی سرمایه‌داران کشورهای اسلامی دارای شان را به بانک‌های متعارف در اروپا و امریکا تحویل می‌دهند. وقتی نظام بدیل در بانکداری در دسترس نداریم و قانون بانکداری متعارف هم تصویب نگردد، معاملات بانکی افغانستان چه گونه باید صورت پذیرد؟

۳- در طرح قانون بانکداری، هر دو نظام؛ یکی موسوم به نظام بانکداری متعارف و دومی مشهور به نظام بانکداری اسلامی تسجیل یافته است و هر کس این حق را دارد که معین سازد پولش به اساس کدام نظام به دوران انداخته شود. آیا این درست نیست که هواداران نظام بانکداری اسلامی، به جای پیش‌گیری از تصویب قانون بانکداری، بگذارند در یک رقابت هر دو نظام عمل کنند و مردم خود از آن میان بهترین را برگزینند. در غیر آن، با لغو شدن نظام بانکداری از یکسو افغانستان در معاملاتش سر درگم خواهد گردید و از جانب دیگر، تمام سرمایه‌داران افغانستان سرمایه‌شان را به بانک‌های بیرونی انتقال خواهند داد؛ زیرا بانکی که به صورت مشخص

این دیدگاه‌ها از اوضاع و شرایط آن روزگار اثر پذیرفته و از همان جاست که گاهی این پیشوایان در یک مورد چند بار نظر خود را تجدید کرده اند. وقتی فتوایی از سوی صاحبش پس از چندی عوض می‌شود، چه گونه می‌توان انتظار داشت که بعد از سده‌ها می‌تواند گره‌گشا بوده باشد، آن هم برای امور مستحدثه؟

بانک از پدیده‌های مدرن است، مانند دموکراسی، انتخابات، تفکیک قوا، پارلمان، سازمان ملل متحد، ناتو و نظایر آن‌ها و از دید نویسنده، حل پرسش‌هایی از این دست با مراجعه به آرای فقهای قرن چهارم یا پنجم، تلاش پُرمی نیست، آن گونه که در موارد مشابه آن نبوده است. بنابراین، این گونه مساعی به جای نفع، زیان‌هایی را به دین و دین‌داری وارد می‌آورد و به جای سود زیان می‌رساند.

۶- تعجبم بر این است، کشوری که امنیتش از سوی نیروهای نامسلمان گرفته می‌شود، دولت و مردمش از کمک کشورهای نامسلمان نان می‌خورند، مناسبات خارجی‌اش را امریکا سمت‌وسو می‌دهد، رسانه‌هایش با معیارهای فراتر از اروپا و کانادا عمل می‌کنند، خلاصه ۹۱ درصد از بودجه سالانه‌اش را بانک‌های غیر اسلامی تدارک می‌بینند، کسانی سعی‌شان بر این است که نظام بانکداری را نعل بالنعل مطابق



نفع نپردازد، با حساب مجهول، کسی به معامله نمی‌نشیند و دارایی‌اش را به خطر نمی‌اندازد. آیا در آن صورت، افغانستان خود بیشترین زیان را متحمل نخواهد گردید؟

۴- تصور دیگر در مورد بانک این است که بانک تنها یک گونه معامله دارد، سود می‌گیرد و سود می‌دهد؛ در حالی که بانک‌ها دارای حساب جاری، حساب پس‌انداز و حساب میعادتی‌اند. افزون بر آن، دارای بخش امانت‌گذاری نیز می‌باشند و در انتقال پول سپرده‌گذاران را یاری می‌دهند و برای سرمایه‌گذاران تضمین‌های بانکی فراهم می‌دارند که بر پایه آن تجارت میان کشورها شکل می‌گیرد. وقتی با نظام بانکداری متعارف مخالفت صورت می‌گیرد، این همه مسایل بانکی که زنده گی ملت‌ها را رقم می‌زند، چه گونه حل می‌شود؟

۵- عده‌یی از دوستان از سر دل‌سوزی به اسلام و مسلمانان، با خلوص نیت و صفای قلب می‌کوشند همه مسایل را با مراجعه به نظریات فقهای دوره‌های میانه حل کنند، از کتاب‌های متعدد یاد می‌کنند و تبرکاً عین سخنان ایشان را یادآوری می‌دارند. حرف ما به این عزیزان با جان برابر این است که دیدگاه فقها عین نص نیست،

شریعت اسلامی بسازند، و در واقع به نظام اقتصادی صدر اسلام سازگار سازند! آیا برای چنین قومی شایسته نیست که نخست امنیت کشورشان را خود تأمین بدارند تا نوبت به نظام اقتصادی دل‌خواه‌شان برسد؟ آیا بهتر نیست که اول بودجه سالانه‌شان را خود تهیه بدارند، سپس روی آن بیندیشند که چه گونه با آن معاملات اقتصادی راه اندازند؟

۷- مخالفان طرح قانون بانکداری استدلال‌شان بر این بود که دست‌کم بانکداری متعارف از مسایل مشتبه و مشکوک است و نباید چنین مسایلی در اجندای جلسه عمومی گرفته شود. با احترام تمام به این نظریه، صاحب این قلم فکر می‌کند که کار پارلمان‌ها در همه جای دنیا، روی مسایل مشکوک و مشبهه است و با دادن رای به رفع شک و شبهه می‌پردازند، در هیچ جا روی مسایلی که حلیت و حرمت آن آشکار بوده باشد، بحث صورت نمی‌گیرد.

من این گونه می‌اندیشم، دوستان ما را رهنمایی کنند و دعای خیر ما را نصیب شوند.

والله اعلم بالصواب

تأخیر وحشت‌ناک در معرفی کابینه

منوچهر

نزدیک به دو ماه از تشکیل دولت وحدت ملی می‌گذرد. در عین حال، ضرب‌الاجل رییس دولت مبنی بر معرفی و ارایه کابینه جدید نیز به پایان رسیده است، اما تا کنون هیچ خبری از اعلام فهرست وزیران تازه نیست. آن چه در این میانه معلق مانده، ادامه کار عادی نهادها و وزارت‌خانه‌های حکومتی است که به نظر می‌رسد به کلی دچار رکود شده است.

گزارش‌هایی نشان می‌دهند که جریان کار عادی اکثر وزارت‌خانه‌ها و نهادهای دولتی، پس از این که حکومت تمامی وزیران و والیان را به عنوان سرپرست اعلام داشت، مختل شده است. به نظر می‌رسد که تزلزل موقعیت وظیفوی متولیان امور، بر این مسأله نقش و تأثیر بیشتری دارد؛ چون در کشورهایی که نظام به صورت بنیادین شکل نگرفته و کار هر نهاد بر محور فرد می‌چرخد، طبیعتاً وقتی موقعیت فرد دچار تزلزل می‌شود، کل مجموعه و نظم حاکم بر آن نیز از هم می‌پاشد. اما بی‌گمان تنها برهم خوردن روال عادی کار نهادها، نتیجه چنین شرایطی نیست؛ بل رشوت و فساد نیز در این وضعیت به شکل سرسام‌آوری بالا می‌گیرد. اکنون پرسش این است که وضعیت تا چه زمانی ادامه خواهد یافت؟... به نظر می‌رسد که درگیری‌های سیاسی تا کنون به دولت‌مردان مجال تشخیص اهمیت این نکته را نداده است و نیز به همین دلیل، تا زمان زیادی معرفی کابینه معلق خواهد ماند. از طرف دیگر، هنوز چانه‌زنی‌های سیاسی مبنی بر تقسیم مساویانه قدرت و نیز معرفی نامزدوزیران و والیانی که مورد تأیید طرفین حکومت باشد، به پایان نرسیده است. بنابراین، تا معرفی کابینه جدید زمان بیشتری سپری می‌شود که در نهایت، همه استمرار فساد و رکود کار در وزارت‌خانه‌ها را تضمین می‌کند.

از سوی دیگر، هراس آن است که تعجیل برای معرفی کابینه جدید، مشکل تازه‌یی را به بار بیاورد؛ زیرا کمبود کادر مسلکی در هر دو جریان سازنده دولت وحدت ملی دیده می‌شود. افزون بر آن، دولت کنونی بر اساس توافق سیاسی به میان آمده و بدیهی است که در چنین شرایطی، تقسیم نهادهای دولتی نیز بیشتر سیاسی است تا مسلکی. بنابراین، بسیار خطر آن وجود دارد که نهادهای دولتی بنا بر مصلحت‌های سیاسی به دست افراد غیرمسلکی بیفتد و در واقع، اصل شایسته‌سالاری‌یی که بارها رعایت آن از سوی مقامات حکومتی اذعان شده است، زیر سوال برود.

متأسفانه این همه مشکل نزد مقامات حکومت وحدت ملی موجود است، اما آن‌ها بیشتر از آن که به راه‌های حل بحران کنونی بیندیشند، مصروف جنگ تبلیغاتی علیه هم‌اند و کمترین توجهی به تعلیق کابینه ندارند.

فراموش نباید کرد که اگر حکومت همین امروز نیز کابینه جدید را به مجلس معرفی کند، تا گرفتن رأی اعتماد از مجلس و اتخاذ پست‌های مورد نظر از سوی آنان، ماه‌ها وقت سپری می‌شود که همه و همه، به سود ادامه بحران کاری و استمرار فساد در نهادهای حکومتی تمام می‌شود.

تمامی این نگرانی‌ها در حال حاضر نشان‌دهنده ناتوانی حکومت جدید است که برعکس ادعاهای صورت گرفته، عملاً کاری از آن‌ها ساخته نیست. وقتی حکومتی که در حرف، ادعای جبران کوتاهی‌های دولت پیشین را دارد و در عمل، از عهده تشخیص و معرفی کابینه - که ساده‌ترین کار در امر دولت‌داری است - به‌در نمی‌شود، از آن چه انتظاری می‌توان داشت؟

مسئلاً اگر برای رفع این تأخیر وحشت‌ناک اقدام قاطع و عاجل صورت نگیرد، می‌توان حدس زد که این تأخیر بیش از حد به‌زودی گلیم دولت وحدت ملی را جمع می‌کند.

از جهان سوم به جهان اول

داستان سنگاپور

از سال ۱۹۶۵ الی ۲۰۰۰ میلادی



یکی از داستان‌های موفقیت نظام سرمایه‌داری رهبری شده مدل اجتماعی-اقتصادی‌یی که سنگاپور را از جهان سوم به جهان اول ارتقا بخشید
بخش نهم

خاطرات لی کووان یو
اقتباس و ترتیب: محمود کرزی

توه چن یی که وزیر صحت بود با این طرح موافقت نشان نداد. وی که تازه از سفری به چین و بازدید از شفاخانه‌های آن کشور برگشته بود، تحت تأثیر خدمات صحتی عالی‌یی قرار گرفته بود که گویا بطور رایگان و مساویانه در اختیار همه شهروندان آن کشور قرار داشت. به توه چن یی گفتم من باور ندارم که خدمات عالی و مساویانه صحتی، چنانکه او معتقد است، حتا در بیچینگ وجود داشته باشد چه رسد به سرتاسر چین.

من بدون این‌که موضوع را بزرگ سازم، بحث را در همین جا خاتمه بخشیدم. در عوض، سکرتر دایمی وزارت صحت، داکتر اندریو پیو گوان خون را مؤظف ساختم تا دریابد که به چه اندازه از سهمیه تقاعدی یک کارگر لازم خواهد بود تا او بتواند سهم مخارج صحتی خود را بپردازد. وی به من گزارش داد که برای این کار ۶ الی ۸ درصد سهمیه تقاعدی معاش کارگر مورد نیاز خواهد بود. در سال ۱۹۷۷، از هر عضو CPF تقاضا نمودم تا یک فیصد معاش ماهانه‌اش را به منظور پرداخت سهم خود در هزینه صحتی خود و خانواده خود در حساب خاصی بگذارد. این مقدار به تدریج به شش درصد معاش ماهانه ارتقا یافت.

پس از انتخابات سال ۱۹۸۰، گاه چاک تانگ را به حیث وزیر صحت گماشتم. وی در سال ۱۹۷۶ به حیث وکیل پارلمان انتخاب شده و از عهده کار برآمده می‌توانست. برای این‌که او را آماده کار ساخته باشم، مفکوره خود را در باره خدمات صحتی برایش وضاحت بخشیدم و تعدادی گزارش و مقالات مربوط به موضوع را غرض مطالعه در اختیارش قرار دادم. وی درک نمود که من طالب چه چیزی هستم. آنچه من می‌خواستم این بود: تأمین خدمات صحتی خوب توأم با جلوگیری از سوء استفاده و هزینه‌های بلند، از طریق سهم‌گیری مشترکین در پرداخت مصارف. خدمات صحتی، بدون تردید، به سببیدی نیاز داشتند ولی، در صورت عدم کنترل، این سببیدی‌ها می‌توانستند برای بودجه دولت تباهنک باشند.

زمانی که طرح پس‌انداز صحتی (Medisave) در سال ۱۹۸۴ مورد تطبیق قرار گرفت در هر «حساب خاص» CPF مبلغ قابل ملاحظه‌یی تراکم کرده بود. پرداخت مبلغ ماهانه به حساب پس‌انداز صحتی در سال ۱۹۸۶ به شش درصد معاشات بالا برده شد و حد اکثر این پرداخت ۱۵۰۰۰ دالر در سال تعیین گردید. این حد اعظمی پرداخت سالانه در مقطع‌های منظم زمانی بالا برده شد. پس اندازهای بالاتر از این حد اعظمی به حساب عمومی اعضا در صندوق CPF انتقال داده شده و در صورت ضرورت، کارگران می‌توانستند از آن غرض خریداری مسکن و یا سرمایه‌گذاری در سایر راه‌ها استفاده کنند. به منظور تقویت همبستگی و مسئولیت‌پذیری خانوادگی، کارگران اجازه داشتند حسابات پس‌انداز صحتی خود را به منظور پرداخت مخارج صحتی اعضای نزدیک خانواده، یعنی والدین، پدر کلان و مادر کلان، خانم، و کودکان خود مورد استفاده قرار دهند.

تقبل بخشی از مخارج صحتی توسط شخص بیمار (copayment) واقعاً مانع ضیاع منابع و اطافه خرجی شد. فیس بیماری که در شفاخانه دولتی بستری می‌شود، بر بنای نوع اتافی که بیمار انتخاب می‌کند، الی ۸۰ توسط حکومت سببیدی می‌شود. با افزایش درآمدها، تعداد کمتر و کمتر بیماران اتاق‌های ارزان‌تر که از سببیدی بالاتری برخوردار بودند را انتخاب می‌کردند. بدین معنی که در نتیجه بلند رفتن عاید، بیماران به بستری شدن در اتاق‌های بهتر و قیمت‌تر، که از سببیدی پایین‌تر برخوردار بودند رو آوردند. این تمایل در میان بیماران، سبب صعود مخارج صحتی در سطح ملی می‌شد. برای تقابل با این وضع، پیشنهاد گردید که تقسیم اتاق‌های شفاخانه بر اساس آزمون و تعیین وضع مالی بیماران صورت گرفته و در هنگام ورود بیماران به شفاخانه، تعیین شود که کدام بیمار حق استفاده از کدام نوع اتاق را خواهد داشت. این پیشنهاد به علت اشکال عملی در تطبیق آن، عملی نشد. در عوض، ما از طریق ایجاد تفاوت‌های روشن در حد راحتی (و قیمت) انواع مختلف اتاق‌ها، مردم را تشویق کردیم تا اتاق‌هایی را انتخاب نمایند که با وضع اقتصادی آن‌ها سازگاری داشت. این طرزعمل، در حقیقت آزمونی بود که خود بیمار در مورد وضع اقتصادی خود انجام

ورود سال ۱۹۹۵، ۱٫۵ میلیون عضو CPF در سهام شرکت‌های طراز اول که در بازار سهام سنگاپور ثبت شده بودند، سرمایه‌گذاری کرده بودند.

زمانی که در سال ۱۹۹۳ سهام شرکت تیلیکام سنگاپور را برای نخستین‌بار اشاعه کردیم، تعداد عظیم آن را به قیمتی پایین‌تر از قیمت بازار به همه شهروندان بالغ فروختیم. هدف ما از این کار این بود که مبالغ مازادی را که دولت در طول سال‌های رشد بلند پس‌انداز کرده بود دوباره در میان جامعه توزیع کنیم. می‌خواستیم مردم ما مالک سهام یکی از شرکت‌های بزرگ کشور شده و نفع آشکاری در موفقیت اقتصادی مملکت خود داشته باشند. برای اینکه مانع فروش فوری سهام برای دریافت پول نقد شده باشیم (آنچه در زمان خصوصی سازی بریتیش تیلیکام اتفاق افتاد) ما به سهام‌داران حق دریافت سهام بونس (bonus shares) را دادیم. این امتیاز بعد از سال اول، دوم، چهارم، و ششم اشاعه ابتدایی سهام و محض در مورد سهامی قابلیت تطبیق داشت که در اول وحله به سهام‌داران داده شده بودند. بدین ترتیب، سهام‌داران تشویق می‌شدند سهام خود را برای مدت زیاد نگهداری نموده تا باشد برای دسترسی آنی به پول نقد نغروشدند. این طرزالعمل سبب شد تا ۹۰ درصد کارگران سنگاپور صاحب سهام تیلیکام سنگاپور شوند. این رقم سهام‌داری کارگران در بازار سهام، احتمالاً بالاترین رقمی است که در جهان وجود دارد.

مشاهدات من نشان می‌داد کسانی که صاحب منزل شخصی خود بودند، خانه‌های خود را به مراتب بهتر از آنانی که کرایه نشین بودند نگهداری و مراقبت می‌کردند. این مشاهدات مرا معتقد ساخت که احساس و افتخار مالکیت، غریزه طبیعی است که در روان همه انسان‌ها وجود دارد. در مظاهرات و آشوب‌های سال‌های ۱۹۵۰ و اوایل ۱۹۶۰، مردم عادی به این مظاهرات آشوب‌ها می‌پیوستند، پنجره‌ها را می‌شکستند و موتورها را سرنگون ساخته به آتش می‌کشیدند. در اواسط ۱۹۶۰، یعنی زمانی که بیشتر مردم صاحب خانه شده بودند، رفتار مردم در هنگام مظاهرات کاملاً متفاوت بود. در این سال‌ها جوانانی را دیدم که موتورسایکل‌های خود را که در خیابان پارک کرده بودند، بالای شانه‌ها و از طریق زینه‌ها به اپارتمان‌های خود واقع در بلند منزل‌های مورد انکشاف مسکن انتقال می‌دادند تا آنها را از آسیب مصون نگهدارند. این مشاهدات، مرا مصمم‌تر ساخت تا سعی نمایم هر خانواده را صاحب دارایی‌های فیزیکی بسازیم. من مطمئن بودم که این خانواده‌ها دارایی‌ها، مخصوصاً خانه‌های خود را با دل و جان حفاظت نموده و از آنها دفاع خواهند کرد. صحت عقیده من در این زمینه در عمل ثابت شد.

هند نگران آینده...

ناتو از افغانستان، طالبان مسلح در این کشور قوی تر شوند. به باور آنها تدریجاً مسلح شاید با خروج قوای جنگی ناتو از خلیای ایجاد شده امنیتی به نفع خود استفاده نمایند.

آنها همچنان فکر می‌کنند که پاکستان با استفاده از طالبان و شبکه حقانی در افغانستان، بر هندی‌ها و اهداف هند در افغانستان حمله کند و گروه‌های تندرو مثل لشکر طیبه و جیش محمد را به حملات در هند تشویق کند.

مقامات هندی و افغان می‌گویند، در حملات بر مراکز دیپلماتیک هند در افغانستان، لشکر طیبه مستقر در پاکستان دست دارد.

در این حال، رسانه‌ها و استخبارات هند، مکرراً از احتمال حملات در خاک هند هشدار می‌دهند.

براساس گزارش‌های رسانه‌های هندی، پلان‌های زیادی برای حملات در هند طرح‌ریزی شده اند.

در شهر کلکته هند که مرکز ایالت غربی بنگال است، هشدار حملات تروریستی داده شده است و اجیت دیول مشاور امنیت ملی هند گفته است، حالات در بنگال به یک بمب ساعتی مبدل شده است.

در شمال هند نیز این نگرانی موجود است که خروج نیروهای ناتو از افغانستان، بر امنیت هند تأثیر منفی خواهد داشت. ولی این تصویر در افغانستان به طور عمومی متفاوت است. مقامات افغان می‌گویند با خروج قوای بین‌المللی، هیچ تغییری در افغانستان نخواهد آمد. آنها می‌گویند در حال حاضر هم نیروهای امنیتی افغان مسولیت تأمین امنیت تقریباً تمام افغانستان را در دست دارند و اکثر عملیات نظامی را بدون حمایت نیروهای خارجی انجام می‌دهند.

شاید یکی از موضوعات مهم مورد بحث در دیدار هفته آینده رییس‌جمهور غنی و نخست وزیر هند در کمتندو، مسأله اوضاع افغانستان بعد از سال ۲۰۱۴ باشد.

نریندرا مودی دیروز در دیدارش با رییس‌جمهور سابق افغانستان حامد کرزی یک بار دیگر گفت، کشورش به حمایت از یک افغانستان قوی با ثبات و دیموکراتیک ادامه می‌دهد.

اساسی صحتی محروم نیست، ما قادریم از یک طرف از ضیاع منابع جلوگیری کرده و هزینه‌های صحتی را در حد پایین نگهداریم، و از جانب دیگر، مانع حالتی شویم که در آن مریضان نیازمند به عملیات جراحی، ماه‌ها و حتا سال‌ها انتظار می‌کشند تا نوبت خدمت برای‌شان برسد.

۹) صندوق تقاعدی یا حقوق بازنشستگی (صفحه ۱۲۴ و بعد):

یکی از معضله‌های عمومی‌یی که ما با آن مواجه بودیم همانا تأمین تقاعدی یا حقوق بازنشستگی دوران پیری کارگران بود. در اروپا و امریکا این حقوق توسط دولت عرضه و توسط مالیه دهندگان تمویل می‌شد. ما تصمیم گرفتیم که هر کارگر باید خودش پس‌اندازهای دوران پیری خود را در صندوق CPF بوجود بیاورد. ما در سال ۱۹۷۸ اجازه دادیم که این صندوق به حیث صندوق پس‌انداز شخصی برای مقاصد سرمایه‌گذاری مورد استفاده قرار گیرد. در آغاز آن سال، حکومت در خدمات سرویس شهری سنگاپور اصلاحاتی را وارد نموده بود. به تعقیب این اصلاحات، شرکت سهامی سرویس خدمات شهری سنگاپور (Singapore Bus Service LTD) را تشکیل نموده و در بازار سهام ثبت نمودیم. در عین حال، به مشترکین صندوق CPF اجازه دادیم که هر فرد الی ۵۰۰۰ دالر پول جمع‌آوری شده خود در این صندوق را در راه خریداری سهام ابتدایی این شرکت مورد استفاده قرار دهند. با این کار، من می‌خواستم مالکیت سهام این شرکت را بین تعداد هرچه بیشتر سهام‌داران تقسیم نمایم، تا در نتیجه، سود شرکت به کارگرانی تعلق بگیرد که در حقیقت اکثریت مستهلکین خدمات سرویس شهری را تشکیل می‌دادند. این کار، بر علاوه، سبب میشد تا انگیزه برای تقاضای پایین آوردن قیمت خدمات سرویس شهری شدت خود را از دست داده و نیاز این خدمات به سببیدی دولتی کاهش یابد.

بدنبال این موفقیت، استفاده از مبالغ جمع‌آوری شده در CPF را آزاد ساخته و اجازه دادیم که این مبالغ در راه سرمایه‌گذاری در ملکیت‌های تجارتي و صنعتی شخصی، سهام شرکت‌های اعتباری (trustee shares)، صندوق های مشترک سرمایه‌گذاری (mutual funds)، و طلا مورد استفاده قرار داده شوند. در صورتی که سود این سرمایه‌گذاری‌های مشترکین CPF بر نرخ سودی که CPF می‌پرداخت سبقت می‌جست، آن‌ها می‌توانستند سود اضافی خود را از صندوق بیرون کرده و به مصرف برسانند. برای این‌که احتمال از دست رفتن همه پس اندازهای اعضا را از بین برده باشیم، اقدامات و شرایط محافظتی لازم را در نظر گرفته و تطبیق می‌کردیم. با

می‌داد و در نتیجه آن، نوع اتافی را که قیمت آن برایش قابل تحمل بود، انتخاب می‌کرد. درآمدهای در حال افزایش مردم که منجر به تراکم وجوه بیشتر در حساب پس‌اندازهای صحتی آنها می‌شد، احساس ثروت‌مند بودن را به اندازه کافی در میان آن‌ها تقویت نمود تا بر اساس آن به انتخاب اتاق‌های بهتر و قیمت‌تر بپردازند.

ما اجازه دادیم که با در نظر داشت محدودیت‌های وضع شده بر قیمت انواع مختلف عملیات جراحی، صاحبان حسابات پس‌انداز صحتی از مبالغ جمع‌آوری شده در حساب به منظور پرداخت مخارج اقامت و تداوی خود در شفاخانه‌های شخصی استفاده کنند. این امر سبب رقابت میان شفاخانه‌های دولتی و شخصی گردیده و باعث شد تا شفاخانه‌های دولتی کیفیت کاری خود را بهبود بخشند. ولی ما مانع آن شدیم تا پول جمع‌آوری شده در حسابات پس‌انداز صحتی در راه مخارج رفتن به کلینیک‌های بدون بستر و معاینه‌خانه‌های عمومی شخصی (general practioners) مورد استفاده قرار گیرد. ما معتقد بودیم که اگر اجازه دهیم حسابات پس‌اندازهای صحتی برای رفتن به دکتوران شخصی مورد استفاده قرار گیرند، تعداد ملاقات‌های غیرضروری مردم با دکتوران شان افزایش یافته و مصارف صحتی عمومی بطور غیرموجهی بلند خواهد رفت؛ در حالی که اگر چنین مخارجی از بودجه ماهانه مردم پرداخت شود، آن‌ها در امر رفتن به داکتر محتاط‌تر بوده و از مصارف بی‌جای اضافی در این راه جلوگیری بعمل خواهد آمد.

ما در سال ۱۹۹۰ طرح دیگری را تحت نام سپر صحتی (MediShield) به برنامه تداوی خدمات صحتی خود علاوه کردیم. این طرح بیمه‌یی بود برای تداوی حالات صحتی و بیماری‌های بزرگی که تداوی آنها مخارج گزاف و غیرقابل تحمل را برای افراد به‌بار می‌آورد. مشترکین می‌توانستند حق الاشتراک خود را به این بیمه از حساب پس‌انداز صحتی خود بپردازند. در سال ۱۹۹۳ ما با پول دولت، صندوق پولی صحتی (MediFund) را بوجود آوردیم. این صندوق برای تداوی کسانی تخصیص داده شده بود که پول‌های حسابات پس‌انداز صحتی و سپر صحتی آن‌ها به اتمام رسیده و فاقد خویشاوندی بودند که بتوانند آنها را در امر تداوی تداوی شان کمک کنند. چنین اشخاص می‌توانستند برای معافیت از فیس‌های خدمات صحتی خود درخواست دهند. پس از دریافت معافیت، صندوق پولی صحتی مسئولیت پرداخت همه فیس‌های صحتی درخواست کننده را عهده دار می‌شد. بدین ترتیب، در نتیجه این وسایل و سیاست‌ها است که امروز، در حالیکه در سنگاپور هیچ کسی از دریافت خدمات

Mandegar

پیام تسلیت

«خداوند شهدا را خودش انتخاب می‌کند»



شفیع الله سنگین، مشهور به جنگیالی، از افسران بخش استخبارات وزارت داخله در در شمال کشور، روز پنجشنبه در مسیر قندوز - تخار به شهادت رسیده است. او که با یک برادرش و چندتن از دوستانش، وارد تخار می‌شد، با یک کمین طالبان مواجه شد.

به گفته منبع، شفیع الله سنگین، بعد از یک درگیری منظم و کشتن دو تن از طالبان، به جنگ تن به تن با یکی از آنان پرداخت و بعد توسط یک فیر تفنگچه دشمن به سرش، جام شهادت را سر کشید. جنازه او صبح دیروز به ولسوالی خوست فرنگ ولایت بغلان انتقال داده شد و در میان اشک و آه مردم به خاک سپرده شد. او در میان دوستان و هم سن و سالانش، به عنوان جوان رشید، جسور با ادب و با اخلاق مطرح بوده است.

شفیع الله سنگین جنگی، فرزند الحاج جنرال سنگی محمدخان، ولسوال ولسوالی خوست فرنگ است. پدر او از فعالان دوران جهاد و مقاومت و یکی از چهره‌هایی است که خدمات شایان و زحمات زیادی کشیده است.

بنده به نمایندگی از خانواده ام، شهادت این جوان برومند را به الجاج جنرال سنگی محمد خان و پسرانش و دیگر اعضای فامیل درمندان تسلیت عرض می‌کنم و باور دارم که خون سرخ این جوان و جوانانی مثل او، که در راه دفاع از وطن ریخته می‌شود، از ارزش و قدر بزرگی نزد خداوند منان برخوردار است.

یک بار دیگر از خداوند کریم می‌خواهم که برای پدر شهید، حاجی سنگی محمد خان، مادر، برادران، خواهران و دیگر بازمانده‌گانش صیر جمیل اعطا فرماید.

نظری پریانی

سومین نمایشگاه کتاب هرات گشایش یافت

مختلف علمی آموزشی، دینی، فلسفه، عرفان به زبان‌های مختلف در این نمایشگاه به ابتکار فرهنگیان هرات به نمایش گذاشته شده است. رییس اطلاعات و فرهنگ هرات افزود: نسبت به سال‌های گذشته در نمایشگاه امسال، دست نوشته‌های نویسندگان و شعری داخلی بیشتر می‌باشد که در حدود ۳۰ درصد از مجموعه کتاب‌های به نمایشگاه گذاشته شده را تشکیل می‌دهد.

مسولان ریاست اطلاعات و فرهنگ هرات می‌گویند: این نمایشگاه به مدت یک هفته به روی علاقه‌مندان باز خواهد بود.

آنان گفته اند: در بهار سال آینده بزرگ‌ترین نمایشگاه کتاب ویژه شعرا و نویسندگان افغانستان را در هرات برگزار خواهند کرد.

ولایت هرات در غرب افغانستان با پیشینه تاریخی و فرهنگی‌یی که دارد یکی از حوزه‌های غنی تاریخی = فرهنگی به حساب می‌آید. فرهنگیان این ولایت در تلاش اند تا با برگزاری نمایشگاه‌های بزرگ کتاب، فرهنگ کتاب‌خوانی را در کشور رشد دهند.



عصمت الله عاصم

سومین «نمایشگاه کتاب هرات» توسط ریاست اطلاعات و فرهنگ ولایت هرات گشایش یافت. در این نمایشگاه بیش از صد هزار جلد کتاب در ۷۰ غرفه به نمایش گذاشته شده است که بیشتر این کتاب‌ها چاپ کشورهای همسایه افغانستان می‌باشد. آریا روفیان رییس اداره اطلاعات و فرهنگ هرات می‌گوید: بیش از صد هزار جلد کتاب در بخش‌های

ریاست جمهوری به دادستانی کل:

ادعاهای تقلب در انتخابات شوراهای ولایتی را بررسی کنید

کمیسیون شکایات انتخاباتی:

خودمان بررسی می‌کنیم

دادستانی کل درست نیست. رشوت ستانی در همین حال کمیسیون شکایات انتخاباتی می‌گوید تنها این کمیسیون می‌تواند به تخطی‌ها و تقلب‌های انتخاباتی رسیده‌گی کند. این در حالیست که نامزدان معترض کمیشنران و مسولان همین کمیسیون را متهم به رشوت ستانی و تلف کردن حق نامزدان کرده اند.

شفیع الله غوربندی یک تن از نامزدان معترض گفت کمیسیون شکایات انتخاباتی در بدل پیروزی نامزدان، از آن‌ها پول گرفته است: «واقعا خیانت کرده اند، تقلب کرده اند. حتا به کسی که رای ندارد در یک محل از صد تا سه صد رای اضافه کرده اند. فهمیده می‌شود که در بدل پول و پैसे این کار را کرده اند.»

اما نادر محسنی سخنگوی کمیسیون شکایات انتخاباتی گفت دادستانی کل می‌تواند به جنبه‌های جرمی انتخابات رسیده‌گی کند ولی مسایل انتخاباتی تنها از طرف کمیسیون شکایات انتخاباتی بررسی می‌شود. آقای محسنی گفت ادعاها علیه مسولان کمیسیون شکایات انتخاباتی نیز باید برای بررسی به همین کمیسیون سپرده شود.

بی‌اعتمادی به کمیسیون‌ها نتایج انتخابات شوراهای ولایتی پس از حدود شش ماه تأخیر اعلام شد و کمیسیون انتخابات گفت نتایج انتخابات بیش از چهار ماه در کمیسیون شکایات انتخاباتی تحت بررسی قرار داشت.

نامزدان معترض شوراهای ولایتی می‌گویند پس از تقلب‌های گسترده در انتخابات مردم نسبت به این پروسه بی‌باور شده اند و مقام‌های کمیسیون‌های انتخاباتی در رابطه به تخطی‌هایی که صورت گرفته باید پاسخ دهند.

قیوم عالمی یک تن از نامزدان دیگر گفت در صورتی که همین مقام‌ها در راس کمیسیون‌های انتخاباتی باشند، مردم به پای صندوق‌های رای نخواهند رفت زیرا به گفته او کسی اعتماد به رهبری کمیسیون‌های انتخاباتی ندارد: «هیچ کسی حاضر نخواهد شد که اگر این مقام‌ها در کمیسیون‌ها باشند، خودرا کاندید نمی‌کند. حتا ملت افغانستان هم حاضر نخواهند شد که رای دهند. همه مردم افغانستان از این وضعیت کنونی خسته هستند.»

نهادهای مدنی‌یی که انتخابات افغانستان را نظارت می‌کنند خواستار تعویق یک ساله انتخابات پارلمانی شده اند. این نهادها گفته اند تا زمانی که در کمیسیون‌های انتخاباتی اصلاحات به وجود نیاید و تذکره‌های الکترونیکی توزیع نشود، برگزاری انتخابات شفاف ممکن نیست.



به دنبال اعتراض‌ها و تظاهرات‌های پیهم نامزدان معترض شوراهای ولایتی، حکومت به دادستانی کل دستور داده تا اسناد و شواهدی را بررسی کند که نامزدان معترض در دست دارند.

نظیف الله سالارزی سخنگوی رییس جمهور افغانستان گفت اداره امور به دادستانی کل مکتوبی فرستاده تا این اسناد را بررسی و به جنبه‌های جرمی تخطی‌های انتخاباتی رسیده‌گی کند.

کشمکش‌های انتخابات ریاست جمهوری با یک توافق سیاسی به پایان رسید ولی اعتراض‌ها نسبت به اعلام نتایج نهایی انتخابات شوراهای ولایتی هنوز ادامه دارد.

صدها تن از نامزدان معترض شوراهای ولایتی پس از اعلام نتایج نهایی انتخابات برخی از شاهراه‌ها را مسدود کردند و در چهارراهی‌های مرکز شهر کابل تظاهرات به راه انداختند. این نامزدان می‌گویند تقلب و تخطی گسترده‌یی در کمیسیون‌های انتخاباتی صورت گرفته و برندگان انتخابات شوراهای ولایتی نه براساس رای بلکه در نتیجه تقلب‌های انتخاباتی به این کرسی‌ها راه یافته‌اند.

رفیع الله گل افغان، یکی از نامزدان معترض روز پنجشنبه ۲۹ عقرب ۱۳۹۳ طی کنفرانسی در کابل گفت: «ما از رییس صاحب جمهور و رییس اجرائیه تشکری کردیم که به ما احکام دادند و هردو کمیسیون را به دادستانی معرفی کردند. تا اسناد ما بررسی شود و حق به حقدار داده شود.»

نامزدان معترض می‌گویند اسناد و شواهدی که نامزدان ۳۴ ولایت افغانستان در رابطه به تخطی و تقلب در انتخابات در دست دارند، از سوی دادستانی کل بررسی می‌شود تا عدالت در مورد انتخابات اجرا گردد.

این نامزدان می‌گویند مقام‌های کمیسیون‌های انتخابات و شکایات انتخاباتی معرفی شده است ولی سخنگوی رییس جمهور گفت تنها اسناد نامزدان توسط دادستانی کل بررسی می‌شود و معرفی مقام‌های کمیسیون‌های انتخاباتی به

روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می‌پذیرد

برای دانشجویان و اساتید دانشگاه



سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

دفاتر خارجی

سه ماهه - ۱۰۰ دالر
شش ماهه - ۲۰۰ دالر
نه ماهه - ۳۰۰ دالر
یک ساله - ۴۰۰ دالر



نارسیده به منزل یا دفاتر

سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

برای دفاتر



سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی
شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی
یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی

حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: +۷۷۶۹۳۰۵۶۵ - +۷۸۴۳۰۱۶۴۰